

بسم الله الرحمن الرحيم

«قدر شب قدر را بدانیم»

آن چه پیش رو دارید از سخنان حضرت آیه الله علامه مصباح یزدی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ ۸۷/۰۶/۲۰ مطابق با شب دهم ماه مبارک؛ رمضان ۱۴۲۹ درباره فصیلت شب قدر ایراد فرموده‌اند. از این رو، به مناسبت فرا رسیدن لیالی پر قدر قدر و جهت بهره‌مندی تشنگان معارف اسلامی این سخنرانی دوباره ارائه می‌گردد؛ باشد تا این رهنمودها چراغ فروزان راه هدایت و سعادت ما قرار گیرد.

شبی برای تقدیر امور عالم

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيْلِيهِ عَلَى لَيْلِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ، تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَاتِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ. در دعای ۴۴ صحیفه سجادیه سیدالسادین (ع) فرمود: خدای متعال برای رسیدن به رضوان خود راه‌هایی را قرار داده که از جمله آنها ماه مبارک رمضان است. از ویژگیهای ماه رمضان آن است که خدای متعال در این ماه، شبی را قرار داده که برتر از هزار ماه است. «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ». «محور این آیه شریفه شب قدر است. لیلۃ القدر؛ چیست؟ و شب قدر به چه معناست؟ مفسرین دو معنا برای قدر ذکر کرده‌اند. نخست آن که «قدر»؛ را به معنای شرف و منزلت و عظمت دانسته‌اند. براساس این معنی شب «قدر»؛ شرافت و عظمت ویژه و بالایی داشته و این شب را می‌توان شب شرف نامید. برخی دیگر، با استفاده از روایاتی درباره ویژگیهای شب قدر، گفته‌اند «قدر»؛ مصدری است مساوی با تقدیر. معنی «قَدَرٌ»، «يَقْدِرُ»، «قَدْرًا»، همچون «قَدَرٌ»، «يَقْدِرُ»، «تَقْدِيرًا»، هر دو به معنای «تقدیر»؛ قضا و قدر است. براساس روایات فراوان، در شب قدر، تقدیرات سال آینده تعیین می‌شود. البته در روایات تصریح نشده که چون تقدیرات در این شب واقع می‌شود، این شب «لیلة القدر»؛ نامیده شده است، چون این دو با هم منافات ندارند که «قدر»؛ به معنای شرف باشد ولی تقدیرات عالم نیز در این شب انجام پذیرد.

شبی برای بخشش همه

اینکه شب قدر بهتر از هزار شب است، به چه معناست؟ در کتاب فروع کافی روایاتی برای برتری شب قدر، بر سایر شبهای سال و بلکه بر هزار ماه، که بیش از هشتاد سال عمر می شود، وجود دارد. عبادتی که در شب قدر انجام می گیرد از عبادت هزار ماه برتر است. کسی که موفق شود در شب قدر، دو رکعت نماز بخواند مثل آن است که در هزار ماه هر شب دو رکعت نماز بخواند. این امتیاز توفیقی است که خدای متعال به پیغمبر اسلام و به مسلمانها عنایت فرموده است تا مردم، تشویق شده و این شب را به عبادت بپردازند و از مزایا و برکات آن استفاده کنند. شب قدر همچون بار عامی است که بزرگان و سلاطین برای زیردستان، رعایا و بندگان خود، داده و هدایایی را می بخشیدند. خدای متعال که ارحم الراحمین است و رحمت او قابل مقایسه با هیچ رحمت و فضلی نیست، بر امت اسلامی منت گذاشته و شب قدر را همچون بار عام، شب بخشش قرار داده است. شبی که عبادت آن نیز از عبادت هزار ماه برتر است.

قطعیت وجود شب قدر در ماه رمضان

شب قدر کدام شب است؟ برخی از محدثین برادران اهل تسنن نقل کرده اند که شب قدر، شب نیمه ماه شعبان است. بعضی از مفسرین این روایت را از عکرمه نقل کرده اند که البته راوی معتبری نیست. آنچه که مورد اتفاق و اجماع شیعه و سنی است آن است که نزول قرآن و شب قدر، در ماه رمضان است. از قرآن نیز این مطلب استفاده می شود. خدا در سوره بقره می فرماید: قرآن در ماه رمضان نازل شد: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»؛ در سوره قدر هم می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ روشن است شبی که قرآن نازل شده، در ماه رمضان است. اما اینکه این نزول، در چه شبی از شبهای ماه رمضان اتفاق افتاده، سخنان گوناگونی گفته شده است. تقریباً در بین شیعه اتفاق نظر بر این است که شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم شبهای قدر هستند. البته برای شب بیست و یکم و بیست و سوم، اهمیت بیشتری قائل شده اند. در بعضی روایات نیز با صراحت بیان شده که شب بیست و سوم شب قدر است. بهترین راه، جمع بین روایات است.

تقدیر، تثبیت، امضاء در سه شب قدر

در روایتی درباره تعیین شب قدر آمده است: مقدرات سال در شب نوزدهم تقدیر می‌شود؛ «قُسِمَ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ كُتِبَ فِيهَا الْأَجَالُ وَ خَرَجَ فِيهَا صِكَاكُ الْحَاجِّ»؛ در شب نوزدهم ارزاق، درآمدها و روزی افراد و همچنین مدت حیات و زندگی آنان تا سال آینده تعیین می‌شود. علاوه بر آن در شب نوزدهم مشخص می‌شود که چه کسانی در آن سال به حج می‌روند. سپس در شب بیست و یکم آنچه در شب نوزدهم مقدر شده، بر آن ابرام و تأکید می‌شود. این به این معناست که در شب بیست و یکم آنچه در شب نوزدهم تعیین و مقدر شده، قابل تغییر است، آنچه که از شب نوزدهم تا شب بیست و یکم مقدر شده و تغییر یافته، در شب بیست و یکم ثبت شده و در شب و بیست و سوم قطعی، نهایی و امضاء می‌شود. براساس این روایت هر سه شب از شبهای قدر به شمار می‌آیند.

نزول همه فرشتگان بر زمین

پرسشی که مطرح می‌شود آن است که شب قدر دارای چه ویژگی است که خداوند آنرا برتری بخشیده است؟ در قرآن به بعضی از ویژگی‌های شب قدر اشاره شده است. علاوه بر آن برای فهم این ویژگی‌ها به قریحه و ذوق نیاز است. قرآن درباره ویژگی شب قدر می‌فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّرٍ»؛ در شب قدر ملائکه به همراه روح نازل می‌شوند. برخی از مفسرین گفته‌اند «روح» همان «روح الامین»، جبرئیل است و ذکر جبرئیل بعد از ملائکه، ذکر خاص بعد از عام است؛ یعنی فرشتگان و به ویژه جبرئیل نازل می‌شوند. اما روایاتی وجود دارد که می‌گوید: «الروح... خَلَقُ أَعْظَمُ مِنْ جِبْرَائِيلَ»^۵، یا «أَعْظَمُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ برای تایید آن نیز می‌گویند در قرآن که آمده «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»؛ حرف «واو»؛ پیش از «الروح»؛ دلالت بر مابینت دارد. به این معنا که روح موجودی برتر و اشرف از همه ملائکه به شمار می‌رود.

اما همه فرشتگان در شب قدر برای چه نازل می‌شوند؟ شکی نیست که در شب قدر همه ملائکه و فرشتگان نازل می‌شوند. از «الف و لام» در «الملائکه»؛ استغراق فهمیده می‌شود به معنی همه فرشتگان. دسته‌ای از ملائکه، در قرآن به نام «عالین»، نامیده شده‌اند. وقتی شیطان بر آدم سجده نکرد، به او

گفتند: «أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»؛ آیا تو از روی استکبار سجده نکردی یا اینکه از فرشتگان عالین بودی، که مأمور به سجده نبودند؟ در روایتی نقل شده است که «عالین»؛ دسته‌ای از ملائکه مقرب و ممتاز و عالی‌رتبه‌ای هستند که جز مقام ربوبی، به هیچ چیز دیگری توجه ندارند. این فرشتگان به اینکه انسان خلق و به او مقام داده شده، توجهی نداشتند و تنها به مقام ربوبی توجه داشته و او را عبادت می‌کردند. از همین رو از سجده به آدم، مستثنا شده بودند. در برخی روایات این فرشتگان به نام «مُهَيِّمِينَ»؛ نیز نامیده شده‌اند. به نظر می‌رسد که در شب قدر فرشتگان عالین نازل نمی‌شوند و فرشتگانی که مأموریت؛ اجرایی دارند، به همراه روح، که گویا فرمانده ملائکه و بزرگ‌ترین آن‌ها به حساب می‌آید، در شب قدر نازل می‌شوند. بعضی از علمای اهل سنت بر این باورند که نزول ملائکه و روح تنها یک مرتبه و آن هم برای نزول قرآن بر پیغمبر اتفاق افتاده و دیگر تمام شده است. این دسته از علمای اهل سنت می‌گویند: اگر عبادت شب‌های قدر چند برابر ثواب دارد و بهتر از هزار ماه است، به خاطر آن است که یادبود و یادآور شب عظیم نزول قرآن است. همچنان که میلاد پیغمبر اکرم(ص) در روز معین و یک‌بار اتفاق افتاده و هر سال برای آن عید مولود گرفته می‌شود، برای یادبود شب‌های قدر نیز، به این شب برتری و شرافت داده شده است. این نظر برخی از علمای اهل سنت است. اگرچه بیشتر علمای اهل تسنن این نظر را قبول ندارند.

تکرار شب قدر در هر سال

بیشتر علمای اهل تسنن و همه علما و محدثین شیعه بر این باورند که شب قدر در ماه رمضان هر سال تکرار شده، و در هر سال شبی وجود دارد که از هزار ماه برتر است و ملائکه و روح در آن شب نازل می‌شوند. اما نزول ملائکه و روح برای چیست؟ کسانی که نزول ملائکه را تنها در یک مرحله و آن هم برای نزول بر پیامبر خدا(ص) می‌دانند، دیگر نیازی به پاسخ‌گویی به این پرسش ندارند. چرا که نزول ملائکه و روح، فقط یک بار برای نزول قرآن انجام شده است. اما این نظر با لفظ قرآن و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، سازگاری ندارد. «تَنْزَلُ»؛ فعل مضارع است به معنی نازل می‌شود. درباره نزول قرآن در شب قدر قرآن می‌گوید «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»؛ ، کلمه «أَنْزَلْنَا»؛ فعل ماضی است، یعنی قرآن را در شب قدر نازل کردیم. این نزول یک بار بود و تمام شد. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی نزول نور قرآن بر قلب مقدس پیغمبر اکرم(ص)

در این شب بود. اما وقتی گفته می‌شود: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ»؛ کلمه «تَنْزَلُ» مضارع و به معنی آن است که نازل می‌شوند و این نزول استمرار دارد. علاوه بر این در آینده نیز استمرار خواهد داشت.

اثبات ولایت ائمه با سوره قدر

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود اکنون که دیگر نزول قرآنی وجود ندارد که ملائکه بر پیغمبر نازل شوند، پس در شب قدر ملائکه برای چه کاری و بر چه کسی نازل می‌شوند؟ در اصول کافی در باب حجت، روایتی از امام معصوم (ع) آمده است که خطاب به شخصی فرمودند: «برای اثبات ولایت ما برای مخالفین، با سوره قدر احتجاج کنید. چرا که یکی از دلایل لزوم امام بعد از پیغمبر اکرم (ص) این سوره است.» این شخص با تعجب می‌گوید در این سوره از امامت و ولایت سخنی گفته نشده است. پس چگونه می‌توان از این سوره برای اثبات مسئله امامت احتجاج نمود؟ حضرت فرمودند: از مخالفان پرسید در شب قدر ملائکه بر چه کسی نازل می‌شوند؟ آیا تاکنون کسی ادعا کرده است که در شب قدر، ملائکه بر او نازل شده باشند؟ هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که نزول ملائکه را در شب قدر درک کرده است. تاکنون نیز کسی در این باره مدعی نشده است. قرآن نیز می‌گوید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»؛ فرشتگان با روح در شب قدر نازل می‌شوند. بنابراین حتماً باید پس از پیغمبر (ص) کسی وجود داشته باشد تا ملائکه بر او نازل شوند. او کسی جز حجت خدا و امام زمان صلوات الله علیه نخواهد بود.

عرض احترام و تقدیم مقدرات به امام عصر (عج)

اما وقتی ملائکه بر امام زمان نازل می‌شوند، چه کاری خواهند کرد؟ قرآن می‌فرماید: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ از شب تا صبح، فرشتگان فوج فوج به خدمت امام عصر (عج) رسیده و به ایشان عرض سلام می‌گویند. برای ملائکه توفیق و شرافتی است که در شب قدر اجازه یابند تا به خدمت امام زمان (عج) رسیده و به ایشان ادای احترام کنند. اما نکته دوم که در روایات شیعه از حد خبر واحد فراتر است، آن است که ملائکه نازل می‌شوند تا مقدرات سال را بر امام زمان (عج) عرضه نمایند. به ویژه در شب بیست و سوم که مقدرات عالم به امضاء رسیده و قطعی شده است را به حضور امام زمان صلوات الله علیه ارایه داده و ایشان از تمام مقدرات امت تا پایان سال بعد و شب قدر دیگر، آگاه می‌شوند.

پس از «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ»؛ حضرت سجاده(ع) در دعا می‌فرمایند «سَلَامٌ دَائِمٌ الْبَرَكَةِ إِلَيَّ طُلُوعِ الْفَجْرِ»؛ حضرت در این فراز آیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ را تفسیر می‌کنند. یعنی برکت این شب همچنان تا طلوع فجر دوام دارد. پس از آن می‌فرمایند: «عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ»؛ بر کسی که خدا می‌خواهد نازل می‌شوند تا مقدرات الهی را بر او ارایه دهند. در «عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»؛ امام سجاده(ع) با صراحت نمی‌گویند که بر چه کسی نازل می‌شوند، اما با کنایه می‌فرمایند کسی وجود دارد که خدا می‌داند، فرشتگان باید بر او نازل شوند. با توجه به اینکه امام سجاده(ع) امام چهارم بوده‌اند اگر خود یا یکی از امامان گذشته را معرفی می‌نمودند دیگر بر کسانی که فرشتگان بر آنان، پس از امام چهارم نازل می‌شدند، دلالت نمی‌کرد. با این کنایه فرموده‌اند که هر سال کسی وجود دارد که خدا می‌خواهد تا ملائکه بر او نازل شوند. این فراز بر وجود امام و حجت خدا اشاره دارد. اما فرشتگان چه چیزی را برای امام(ع) می‌آورند؟ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ»؛ فرشتگان و روح نازل شده و به همراه خود قضاء محکم و مقدرات حتمی را ارائه می‌دهند. قضاء محکم به مقدراتی گفته می‌شود که از مرحله تقدیر گذشته، به قضاء رسیده و از قضاء به امضاء رسیده و محکم شده است. به گونه‌ای که دیگر قابل تغییر نیست.

امام چه نیازی به علم ملائک دارد؟

در اینجا یک سؤال اعتقادی، درباره علم امام مطرح می‌شود. طبق روایات ما معتقدیم که امام «عالم بما کان و ما یکون»؛ است. یعنی امام به آنچه که بوده و خواهد آمد، علم دارد. در روایات دیگری نیز آمده که بر علم امام افزوده می‌شود. در روایات دیگری نیز اشاره شده که در هر شب جمعه بر علم امام افزوده می‌شود. آیا این که در هر سال فرشتگان در شب قدر، مقدرات عالم را به امام(ع) ارایه می‌کنند، با علم امام(ع) به همه امور تناقض ندارد؟ از سویی گفته می‌شود امام عالم به همه امور است و از سویی فرشتگان مقدرات هر سال را به او در شب قدر ارایه می‌کنند. این دو با هم چگونه جمع می‌شوند؟ دانایی و ادراک امور توسط امام معصوم در شب قدر و شنیدن مقدرات تابع شرایط مادی و این عالم نیست. اگر ما بخواهیم سخنی را بشنویم یا چند صفحه‌ای را بخوانیم چندین دقیقه فرصت می‌خواهد اما شنیدن و دیدن امام معصوم به فرصت و زمان معمول در عالم مادی نیاز ندارد. در یک زمان کوتاه ممکن است بسیاری از امور را بشنود یا بخواند. مرحوم کربلایی کاظم، بدون داشتن مقام عصمت و امامت، همه آیات قرآن را در مدت خیلی کوتاهی فرا

گرفته و حافظ شد و آنها را می خواند. بر همین اساس ما عوالم مترتبی داریم که زمان در آن همانند زمان در عالم مادی نیست. در عالم ماده نیز ممکن است زمانها فرق کنند. دانشمندان علم نجوم و هیئت در این باره نظریاتی دارند که آیا زمان در دیگر سیاره ها و کرات، همانند زمان در کره زمین ماست؟ بر همین اساس هنگامی که مقدرات یک امت به امام زمان ارایه می شود به این معنا نیست که نیاز به زمان طولانی باشد بلکه امام(ع) در مدت کوتاهی به همه این امور علم و آگاهی پیدا می کند. برای حضرت سلمان نیز چنین گفته اند «عَلَّمَ بَمَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ»، وقتی سلمان فارسی به چنین جایگاهی دست می یابد آیا امام معصوم(ع) نمی تواند؟

هرگاه امام(ع) بخوهد، می داند

در اصول کافی، بابی با این عنوان آمده است: «أَنَّ الْأَئِمَّةَ (ع) إِذَا شَاءُوا أَنْ يَعْلَمُوا عُلْمًا»؛ این عنوان به این معناست که ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین هر زمان که اراده کرده و بخوانند، می توانند علم داشته باشند. زمانی می شد که ائمه اطهار اظهار می کردند که نمی دانیم، یا درباره چیزی سؤال می کردند. در روایات نقل شده که از امام(ع) سؤالی شده و حضرت اظهار بی اطلاعی نموده اند. یا مطالبی را از کسی پرسیده اند و یا کسی را برای تحقیق یک موضوع به جایی فرستاده اند. سؤال مطرح می شود که اگر ائمه اطهار همه امور را می دانند پس چرا کسی را جهت تحقیق می فرستاده اند؟ در پاسخ به این پرسش این روایات صادر شده است که ائمه سلام الله علیهم اجمعین هر زمان که بخوانند، می توانند بدانند. اما چگونه بعضی از زمانها می خوانند که بدانند و در بعضی زمانها نمی خوانند؟ چه چیزی برای زمان خواستن یا نخواستن ائمه اطهار در دانستن، تعیین کننده است؟

قلب امام(ع) ظرف مشیت خدا

یکی از امامان فرموده اند: «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ»؛ دلهای ما ظرف مشیت خداست. خدا هر زمان هر چه را بخوهد و صلاح بداند؛ آن موضوع در قلب ما ظهور نموده و در دل ما قرار می گیرد. بنابر این زمان دانستن آنان، زمانی است که خدا مصلحت دانسته و سپس آنان نسبت به آن موضوع آگاهی و علم می یابند. چنین چیزی از کسی که وجود خود را به خدا سپرده است، بعید نیست.

خدا عهده‌دار کار بنده صالح

در روایتی که درباره قرب نوافل است گفته شده: «مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا»؛^{۱۱} این روایت در مورد انسان عادی گفته شده است. خدا می‌فرماید: «اگر انسان به گونه‌ای شد که هر آنچه را که خدا دوست دارد، علاوه بر واجبات، آنرا انجام دهد، علاوه بر واجبات، مستحبات و نوافل را انجام دهد، من که خالق او هستم گوش و چشم و زبان و دست او می‌شوم.» این روایت از روایات صحیح و بدون خدشه اصول کافی است که شیخ بهایی نیز در کتاب اربعین آن را ذکر کرده‌اند. در این جایگاه فکر انسان از بعضی امور مستغنی و بی‌نیاز می‌شود. این خداست که برای او تصمیم می‌گیرد چه چیزی را ببیند و چه چیزی را نبیند. آنگاه هر چیزی را که بخواهد به او می‌نمایاند. بدون اینکه احتیاجی به اسباب عادی داشته باشد؛ «وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا»؛ من دست او می‌شوم. اگر ما بر این باوریم که حضرت ابوالفضل صلوات الله علیه با دستهای بریده؛ دست کسانی را گرفته و یاری می‌دهد این مصداق همان روایت است که خدا دست او شده است «يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا»؛ من دست او شدم. این امتیاز فقط برای پیغمبر(ص) و امام معصوم(ع) نیست «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ»، هر که مرد میدان باشد می‌تواند به چنین مقامی برسد. مرد میدان اندک است. انسان هرگاه همه چیز زندگی خود را در اختیار خدا گذاشت، خدا می‌گوید من چشم و گوش تو هستم. اینجاست که راده او نیز اراده خدایی می‌شود. هر زمان خدا می‌خواهد او نیز می‌خواهد. یکی از تأویلات آیه شریفه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^{۱۲}؛ این است که اراده خدا، در اراده اولیاء خدا تبلور پیدا می‌کند. آنها چیزی را نمی‌خواهند، که خدا نمی‌خواهد. وقتی می‌خواهند و اراده می‌کنند که خدا خواسته باشد. پس این که امام چه زمانی می‌خواهد بداند، همان زمانی است که خدا می‌خواهد بداند و مصلحت اقتضاء می‌کند که بداند. آن زمانی هم که نمی‌دانند و حتی اظهار می‌کنند که نمی‌دانند، آن زمانی است که مصلحت در آن است که آن علم را نداشته باشند.

علم در جیب و علم در برابر چشم

در اینجا سؤال مطرح می‌شود که آیا در این حال که امام(ع) می‌فرماید: «نمی‌دانم»؛ یعنی هیچ علمی ندارد؟ مرحوم حاج شیخ عبدالکریم رضوان الله علیه، می‌فرمودند: «علم دو گونه است. یک علم داخل جیبی داریم و یک علم دیگر علمی است که اکنون آنرا با چشم می‌بینیم»؛ این نکته در مسائل فقهی بسیار پیش می‌آید. به عنوان مثال در هنگام سحر انسان نمی‌داند طلوع فجر شده است یا نه! اینجا درست نیست که بگوید من نمی‌دانم و سپس به غذا خوردن ادامه دهد. اگر جست‌وجو نمود و به آسمان نگاه کند، می‌بیند که فجر، طلوع کرده است یا نه. این مطلب را به زبان ساده‌تر می‌شود گفت، در امکانات پیشرفته امروزی مثل تلفن همراه و ضبط با فشار دادن یک دکمه می‌توان از اطلاعات فراوانی استفاده کرد. اینکه گفته می‌شود ائمه اطهار(ع) عالم «بما کان و ما یکون»؛ هستند همانند چنین علمی است. ائمه اطهار(ع) همانند فشار دادن دکمه، باید در درون خود توجه کنند و بگویند: «خدایا به ما نشان بده»؛ اما زمانی که می‌گویند نمی‌دانیم، هر زمان که بخواهند، می‌توانند بدانند. آن هم زمانی است که خدا خواسته است چون آنها از خود اراده‌ای ندارند. همه امور خود را به خدا سپرده‌اند و خدا نیز عهده‌دار شده، تا هر کاری را که آنها باید با اسباب انجام دهند، بدون اسباب برای آنها انجام دهد. «قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ»؛ هر چه خدا بخواهد در دل ائمه اطهار ظهور می‌دهد.

با خدا باش، پادشاهی کن؛ بی‌خدا باش، هرچه خواهی کن

ممکن است سؤال شود که آیا این امور جبری است؟ باید پاسخ گفت که مقدمات این امور اختیاری است. اینان تلاش کرده‌اند تا این گونه شده‌اند، خود را به خدا سپرده‌اند، تا خدا نیز ولایت آنان را پذیرفته است. ما که حاضر نیستیم تا دستورات خدا را انجام دهیم، نباید توقع داشته باشیم که خدا برای ما نیز، این ولایت را قرار دهد. آن کسی که نه تنها به واجبات بلکه به هر چه که خدا دوست دارد، اهمیت داده و مستحبات را ترک نمی‌کند، سزاوار است که خدا نیز عهده‌دار کارهای او شود. این مقدمات اختیاری است. نتایج اموری که با اختیار انجام می‌شود، نیز اختیاری است. پس از ویژگیهای مهم شب قدر این است که مقدرات سال بر امام زمان صلوات الله علیه عرضه شده و ایشان

آنها را امضاء می‌فرماید. ما نیز باید به استقبال چنین شی‌ی برویم، و از پیش خودمان را برای آن آماده نموده و سعی کنیم از چنین فرصتی که ارزش یک عمر هشتاد و چند ساله را دارد، استفاده کنیم.

۱؛ قدر / ۰۴.

۲؛ بقره / ۰۱۸۵.

۳؛ قدر / ۰۱.

۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۰، باب تعیین لیلۃ القدر.

۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۶۵، باب ۲.

۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۴۲، باب ۲.

۷؛ رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ عَ يَعْلَمُونَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ.

۸؛ رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۵۳، بَابُ فِي أَنَّ الْأَئِمَّةَ عَ يَزْدَادُونَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ.

۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۵۰، باب ۱۸.

۱۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

۱۱؛ تکویر / ۰۲۹.